نگاه

در بحث آمار تسلیم واقعیات شویم

احمد توکلی*

■ واقعیت این است که آمارهای نادرستی در بخش اشتغال کشور اعلام می‌شود. اینکه ما تسلیم واقعیات شویم به نفع مردم است و در این صورت همه می‌توانیم در خدمت به مردم و با کمک به یکدیگر مشکلات را رفته‌رفته حل کنیم. موضوعی که از سوی همه اقتصاددان‌ها پذیرفته شده است، ارتباط مسلم بین تعداد اشتغال ایجاد شده و نرخ رشد است. بر این اساس هر چه نرخ رشد پایین بیاید، نرخ بیکاری هم بالاتر می‌رود. در برنامه سوم در طول سال‌های ۷۹ تا ۸۳ نرخ رشد ۶/۳۶درصد بوده و سالانه ۵۵۸هزار و ۶۰۰نفر شاغل شدند. در برنامه چهارم نیز در طول سال‌های ۸۴ تا ۸۶ نرخ رشد ۶/۶۳درصد بوده و سالانه ۷۶۴هزار و ۶۳۳فرصت شغلی ایجاد شده است. در سال ۸۹ دولت نرخ رشد را ارایه نکرد اما صندوق بین‌المللی پول این میزان را یک درصد پیش‌بینی کرد که با فرض همین یک درصد دولت می‌گوید ما یک میلیون و ۶۰۰هزار شغل ایجاد کرده‌ایم که این نشدنی است و هیچ اقتصاددانی آن را قبول نمی‌کند؛ چرا که هیچ جای دنیا چنین معجزه‌ای اتفاق نیفتاده و منطق علمی این موضوع را نمی‌پذیرد. سوال این است که چرا دولت و دستگاه‌های آمار برای عدم انتشار آمار فشار می‌آورند. آخرین آمار از نرخ رشد مربوط به سه ماهه دوم سال ۸۷ است، در حالی‌که پیش از دولت دهم و حتی در دولت نهم نرخ رشد حداقل با یک فصل تاخیر ارایه می‌شد اما اکنون دو سال و نیم است که دولت نرخ رشد را اعلام نکرده است. مطمئنا اگر این نشان‌دهنده توفیقات بود، حتما نرخ رشد ارایه می‌شد. ضمنا ما علایمی داریم که نشان می‌دهد در چه وضعیتی هستیم. اگر وضع اقتصادی ما رو به رونق باشد چرا باید چک‌های برگشتی افزایش پیدا کند؟ اگر رونق اقتصادی هست چرا بنگاه‌ها نمی‌توانند وام‌شان را پس بدهند و معوقه‌ها افزایش می‌یابد؟ این معنایش این است که بنگاه‌ها قدرت تسویه وام‌هایشان را ندارند. باید توجه داشت که در حال حاضر اجرای هدفمندی یارانه‌ها را در دستور کار داریم. تمامی اقتصاددان‌ها بدون استثناء می‌گویند که بعد از اجرای چنین قانونی در کوتاه‌مدت، رکود اتفاق می‌افتد و این از مسلمات علم اقتصاد است که وقتی هزینه‌ها را بالا می‌برید حتی اگر بازار سرمایه خوبی هم داشته باشید، رکود ایجاد می‌شود چه برسد به اینکه ما بازار سرمایه مناسبی هم نداریم. این یک مدل ساده اقتصاد خرد است که وقتی هزینه‌های تولید بالا می‌رود، منحنی عرض تغییر می‌کند، قیمت‌ها بالا می‌رود و تولید پایین می‌آید. در چنین شرایطی وضعیت اقتصادی بستگی به این دارد که چه سیاست‌هایی اتخاذ شود و چه کسانی سر کار گذاشته شوند. اسداللهی نماینده تربت‌جام اظهار می‌کرد که فقط در شهر کوچک با خرز ۲۰گاوداری در چند ماهه اخیر تعطیل شده است. نریمان نماینده بابل هم که عضو شورای اشتغال استان است می‌گفت در این شورا عنوان شده که این استان بیش از سهمیه خود ایجاد شغل کرده، در حالی که مسوول بیمه عنوان کرده زیر ۱۵هزار نفر در این مدت بیمه شده‌اند، این ارقام با هم نمی‌خواند و نمی‌شود که ۳۵هزار نفر شاغل شده باشند اما تنها ۱۵هزار نفر بیمه شوند. وزیر کار در جلسه کمیسیون ویژه جهاد اقتصادی می‌گوید که ما با اسم و رسم آمار شاغلان را داریم. اگر این‌گونه است این اسم و رسم را منتشر کنیم. متاسفانه همه ما این را حس می‌کنیم که وضع به سمت بهتر شدن پیش نمی‌رود.

***رییس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی**

عدلیه

انتقاد سیاسی از آمار دولتی

ارسلان فتحی‌پور*

■ محاسبه آمارها براساس چارچوب اصول و قواعد استاندارد بین‌المللی است و در کشور ما تنها متولی ارایه آمار مرکز آمار جمهوری اسلامی و بانک مرکزی است؛ بنابراین انتقادها نسبت به آمارهای ارایه شده از سوی دولت بی‌منطق و براساس اهداف خاص سیاسی است. باید دانست آمارهایی از قبیل تورم، بیکاری، میزان سرمایه‌گذاری، ارزش افزوده و غیره هر کدام توسط وزارتخانه‌ها و براساس استانداردهای تعیین‌شده جمع‌آوری و پس از تجمع در سازمان مسوول و قبولی ارایه آمار به جامعه عرضه می‌شود، بنابراین آمار ارایه شده از سوی بانک مرکزی آمار منطبق با اموال و قواعد تعیین‌شده و تاییدشده بین‌المللی است. در این بین برخی از ابهامات، اختلاف‌نظر و تفاوت‌های آماری در جامعه به تفاوت تعریف شاخص‌های آماری برمی‌گردد. به کارگیری شاخص‌های مختلف برای آمار موجب آمارهای متفاوت و گوناگون می‌شود و تنها شاخص‌های به کار گرفته شده از سوی مرکز آمار و بانک مرکزی قابل استناد است. البته دستگاه‌های دولتی نیز لازم است در جمع‌آوری آمارها با دقت عمل بالا و رعایت استانداردهای موجود به تهیه آمارها بپردازند و آمارها را به موقع و با تاخیر کمتر ارایه دهند.

***نماینده کلیبر و هوراند در مجلس شورای اسلامی**

پرسش و پاسخ از فعالان صنعتی در مورد آشفتگی آماری در اقتصاد ایران

دچار افسردگی صنعتی شده‌ایم

«اقتصاد ایران نیازی به آمار ندارد. اگر آمار دادن را هم قطع کنند به خوبی می‌توان فهمید که این اقتصاد در چه شرایطی قرار دارد. منتها آمار واقعی برای سرمایه‌گذاری بنگاه‌های خارجی مفید است که به نظر می‌رسد این مساله خیلی برای مدیران اقتصادی اهمیت ندارد.»

این جمله را یکی از فعالان صنعتی به خبرنگار «شرق» گفت. به باور او تا به حال هیچ‌گاه اقتصاد ایران تا به این حد دچار آشفتگی نبوده است؛ البته آشفتگی به این معنا که کسی نمی‌داند جغرافیای اقتصادی کشور چه مختصاتی دارد. از یک سو مسوولان دولتی اقتصاد می‌گویند که تقریبا همه چیز خوب است و هیچ مشکلی وجود ندارد و از سوی دیگر فعالان اقتصادی نظری متفاوت ارایه می‌دهند و بر این باورند که بسیاری از ادعاهای رسمی در مورد اقتصاد ایران با واقعیت‌های موجود هماهنگ نیست. برای همین شاید بهترین جمله این باشد که کسی نمی‌داند در اینجا چه خبر است. اما چنین فضایی بیش از هر کسی، فعالان اقتصادی را آسیب‌پذیرتر کرده است. البته باز هم طبق معمول مدیران اقتصادی قبول ندارند که فعالان اقتصادی در یک نگاه کلی آسیب‌پذیرتر شده‌اند اما وقتی در میان بدنه اجرایی اقتصاد قرار می‌گیری به خوبی می‌بینی که آنها از این سردرگمی کلافه شده‌اند. دیروز خبرنگار «شرق» از یکی از فعالان صنعتی که در شهرک صنعتی شمس‌آباد به فعالیت مشغول است، پرسید: «هر کس تصویری از اقتصاد ایران ارایه می‌دهد. مسوولان دولتی در این میان معتقدند که وضع خوب است و تولیدکنندگان نیز در شرایط مطلوبی قرار دارند. فعالان اقتصادی به عکس این قضیه معتقد هستند. این سردرگمی به زیان شما نیست؟» فعال صنعتی نیز در پاسخ می‌گوید: «کار از زیان گذشته است. همین که در فعالیت صنعتی به دو دقیقه بعد امید نداری باید گفت که بدترین زیان رخ داده است. ما هم بعضی وقت‌ها می‌شنویم که اوضاع تولید خوب است اما همین که هر صبح بر سر کار حاضر می‌شویم دچار افسردگی می‌شویم.» ظاهرا این افسردگی نامی آشنا برای تاریخ صنعتی ایران است. بارها شنیده‌ایم که تولیدکنندگان از یک افسردگی اقتصادی رنج می‌برند چون تولید در اقتصاد ایران هموار از له‌شدگی رنج برده است. یک فعال صنعتی دیگر در شمس‌آباد می‌گوید: «ما هیچ انتظاری از مسوولان اقتصادی نداریم. چیزی هم نمی‌خواهیم فقط واقعیت‌های اقتصاد را به ما بگویند که بدانیم کجا باید سرمایه‌گذاری و چه کالایی باید تولید کنیم.» وی ادامه می‌دهد: «اتفاقا بسیاری از زیان‌های بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران به دلیل نبود اطلاعات درست از اقتصاد ایران است. در چنین فضایی نه می‌توان بازاریابی کرد و نه می‌توان فهمید چه کالایی برای تولید مناسب‌تر است.» وی همچنین می‌گوید: «بسیاری از کارخانه‌های ما کمتر از یک‌سوم ظرفیت خود کار می‌کنند. در همین شهرک صنعتی، کارخانه‌هایی هستند که حتی به اندازه یک‌سوم ظرفیت هم فعالیت نمی‌کنند. کالاهای چینی دمار از روزگار تولیدکنندگان درآورده‌اند. بخش زیادی از کارخانه‌های اینجا سنگ‌بری هستند. سنگ ایران معروف است اما فعالان صنعت سنگ نیز از وجود سنگ چینی در بازار ایران خبر می‌دهند. سهم ما از یارانه‌ها پرداخت نشده است. نگران برق و آب صنعتی هستیم. هزینه تولید زیاد شده اما یک‌مرتبه وزارت صنایع مثلا می‌گوید که رشد بخش صنعت ۱۰درصد است.» این صنعتگر می‌گوید: «خود مسوولان دولتی نیز آمار خود را قبول ندارند. دایم با یکدیگر بر سر آمار مشکل دارند. بانک مرکزی می‌گوید رشد صنعت کم بوده اما وزارت صنایع ادعا می‌کند بهترین رشد را داشته‌ایم اما مبنای آن معلوم نیست.»

اما ظاهرا کار از این هم بغرنج‌تر است. یک فعال صنعتی دیگر در شهرک شمس‌آباد می‌گوید: «اوضاع صنعت را باید از صنعت‌گرانی پرسید که بعد از سال‌ها فعالیت صنعتی می‌خواهند کار خود را تغییر دهند و به سمت تجارت یا فعالیت‌های خدماتی بروند.» وی ادامه می‌دهد: «به نظر من هم حق با این فعالان صنعتی است. وقتی ۴۰سال در یک صنعت فعالیت می‌کنی و ناگهان در یک شب واردات محصولات چینی همه تجربه، سرمایه و موقعیت صنعتی‌ات را بر زمین می‌زند بهترین کار فعالیت تجاری و واردات است. آن موقع برای مدیران اقتصادی روی چشم جا داری.» بدون شک آفتاب سناریو تولید در ایران آنقدر داغ شده که دامن فعالان صنعتی را سوزانده است. البته این فقط شامل حال اهالی تولید نمی‌شود، سایر فعالان اقتصادی نیز گرفتار همین ماجرا هستند. حتی گروه‌های فعال در بازار یا حوزه‌های خدماتی نیز از سرگیجه موجود در اقتصاد ایرانی گله می‌کنند. آنها می‌گویند بالاخره باید بدانیم که چه اتفاقی در اقتصاد رخ می‌دهد تا بتوانیم براساس آن فعالیت خود را تنظیم کنیم. البته این، همه ماجرا نیست. وقتی در کوچه‌های اقتصاد قدم می‌زنی تا حد زیادی مشخص است که سایه‌های واقعی شاخص‌ها در چه وضعیتی قرار دارند. یعنی وقتی چند مرکز برای ارایه آمار وجود دارد و هر کدام نیز یک سری ارقام برای روشن شدن وضعیت اقتصادی دارند باز هم چیزی تغییر نمی‌کند چون از همین دور هم مشخص است که اقتصاد ایرانی از نابسامانی رنج می‌برد و تا از این نابسامانی بدون پرده سخن گفته نشود نمی‌توان برای آن فکری کرد و راه برون‌رفت از آن را یافت. ظاهرا تا اینجا هیچ شکی وجود ندارد ولی به قول یکی از فعالان صنعتی، وجود سردرگمی در مشخصات اقتصادی کشور باعث می‌شود تا بسیاری از سرمایه‌گذاران از ورود به اقتصاد ایران پرهیز کنند و پشت مرزهای ایران اردو بزنند؛ این اتفاق به نظر می‌رسد بارها برای اقتصاد ایران رخ داده است. بدون شک وقتی یک سرمایه‌گذار خارجی از صندوق بین‌المللی پول می‌شنود که بر اساس اسناد موجود از اقتصاد ایران رشد اقتصادی در این کشور بین صفر تا یک قرار دارد اما مسوولان اقتصادی بدون توجه به اسناد اقتصادی در داخل کشور می‌گویند که رشد اقتصادی ۱۰درصد است به‌طور طبیعی ترجیح می‌دهند تا به آرامی از کنار این اقتصاد عبور کنند چون از سوی دیگر در یک ارتباط اقتصادی می‌بینند که فعالان عرصه‌های تولید نیز با گلایه‌های شدید از محیط کسب و کار سخن می‌گویند. اما شاید برای برنامه‌ریزان اقتصادی، دوری سرمایه‌گذاران از این اقتصاد خیلی هم مهم نباشد اما تجربه ثابت کرده است که در نهایت دودی که از فقدان سرمایه بلند می‌شود همه بخش‌های اقتصادی را آزرده می‌کند و حتی حوزه‌های اجتماعی نیز بی‌نصیب نمی‌مانند. یک فعال صنعتی اسم این اوضاع اقتصادی را بدون تعارف گذاشت: ورشکستگی!

باید به واقعیت‌ها توجه کرد

ابراهیم جمیلی، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران به «شرق» می‌گوید: متاسفانه آمارهایی که باید از مراکز دارای صلاحیت تایید شده و اعلام شود؛ اعلام نمی‌شود. حتی آمارهای اعلامی نیز با یکدیگر مغایرت‌هایی دارد. این امر اصول برنامه‌ریزی را زیر سوال می‌برد چراکه یکی از اصول برنامه‌ریزی‌های اقتصادی این است که باید آمارها به درستی در اختیار فعالان اقتصادی قرار بگیرد. وی با اشاره به اینکه باید تکلیف فعال اقتصادی را مشخص کرد تا بداند که می‌تواند به آمارهای ارایه‌شده اعتماد کند یا خیر، تصریح می‌کند: باید مرکز بی‌طرفی برای اعلام آمارهای اقتصادی مشخص شود. مثلا برای اعلام نرخ تورم، بانک مرکزی مرجعی بود که همگان به آن استناد می‌کردند، هرچند که تورم اعلامی بانک مرکزی از تورم موجود در سطح جامعه کمتر بود اما مرجعی بود که همگان آن را برای اعلام نرخ تورم پذیرفته بودند. جمیلی ادامه می‌دهد: در این میان وقتی مراجع مشخص‌شده برای اعلام آمارها یا آمار را اعلام نمی‌کنند یا آمارهای اعلام‌شده‌شان با آمارهای سایر دستگاه‌ها تناقض دارد، برنامه‌ریزی در کشور با چالش مواجه خواهد شد. آمار درستی وجود ندارد تا فعالان بخش اقتصادی بتوانند بر اساس آنها برنامه‌ریزی کرده و سرمایه‌گذاری کنند. این در حالی است که بدون برنامه‌ریزی هم امکان توسعه وجود ندارد. عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران درخصوص اینکه آمارهای ارایه‌شده درخصوص رشد بخش صنعت یا رشد اقتصادی چقدر با واقعیت‌ها منطبق است، می‌گوید: آمارهای ارایه‌شده با پیشرفت‌هایی که در برخی صنایع به دست آمده، تناسب دارد اما با برخی صنایع همخوانی ندارد. مثلا در صنایع انرژی‌بر که با اجرای هدفمندی یارانه‌ها هزینه‌های تولیدشان افزایش داشته و در عین حال تولیدشان کاهش یافته، همخوانی ندارد. آمارها کلی نیست و در بعضی صنایع درست است. وی تصریح می‌کند: باید واقعیت‌ها را در نظر گرفت و تمام صنایع را دید. متاسفانه این اتفاق نمی‌افتد و این امر برنامه‌ریزی دچار مشکل کرده است.

احتمال افزایش قیمت برخی از خودروهای داخلی

ایسنا: خودرو روی موج افزایش قیمت افتاده است؛ موجی که به نظر می‌رسد به این زودی‌ها به ساحل ثبات نرسد. کارشناسان معتقدند که خودرو در پنج سال گذشته از نظر قیمت جزو باثبات‌ترین کالاهای بازار بوده است. این ثبات تا جایی پیش رفته است که خودروسازان مدعی ورود به حاشیه ضرر شده‌اند. آنها می‌گویند قیمت تولید تندر ۹۰ بین هزار تا هزار و ۵۰۰ دلار گران‌تر از قیمت فروش آن تمام می‌شود. به گفته کارشناسان، ویتارا هم تا قبل از افزایش سه‌درصدی قیمتش در هفته‌های گذشته، حدود پنج‌میلیون ارزان‌تر از قیمت تمام‌شده‌اش به فروش می‌رفت. افزایش نرخ ارز، تغییر فضای کسب و کار، تورم و هزار و یک دلیل دیگر مانند آن مواردی است که خودروسازان در توجیه لزوم افزایش قیمت محصولات‌شان ارایه می‌کنند. خواسته‌های قطعه‌سازان را هم نباید نادیده گرفت. اگر دستگاه خودروسازان آنقدر عریض و طویل است که می‌توانند برخی محصولات‌شان را با حاشیه ضرر در بازار عرضه کنند، قطعه‌سازان اغلب بنگاه‌های اقتصادی خرد هستند که باید درآمد و هزینه‌های‌شان با هم بخواند.

دبیر انجمن قطعه‌سازان می‌گوید که به دنبال تغییر فضای کسب و کار در ماه‌های اخیر، قیمت تمام‌شده تولید برخی قطعات خودرویی افزایش قابل توجهی داشته است و این یعنی درخواست افزایش قیمت‌ها!

خودروسازان هم البته با وجود موافقت کمیته قیمت‌گذاری خودرو برای افزایش میانگین چهاردرصدی قیمت برخی از تولیدات‌شان، گویا هنوز قانع نشده‌اند. معاون بازاریابی و فروش ایران‌خودرو، در مورد افزایش قیمت‌ها با تاکید بر اینکه قیمت قبلی خودروهایی مانند گراند ویتارا از قیمت تمام‌شده آن هم کمتر بوده است، به ایسنا می‌گوید: «در شرایطی که برخی از محصولات ما زیان‌ده باشند، نمی‌توانیم پاسخ‌گوی سهامداران خود باشیم و به همین دلیل طی یک نامه کتبی به کمیته قیمت‌گذاری خودرو اعلام کرده‌ایم که با قیمت‌های موجود، هزینه‌ها و درآمدهای ما حتی سر به سر هم نمی‌شود و این مساله مشکلاتی را برای ایران‌خودرو ایجاد می‌کند.» علی‌اصغر سرایی‌نیا می‌افزاید: «کمیته قیمت‌گذاری با افزایش قیمت موافقت کرده، گرچه هنوز هم قیمت‌های جدید با هزینه‌های ما همخوانی ندارند. برای مثال قیمت تمام‌شده گراند ویتارا برای ایران‌خودرو، ۴۹میلیون تومان است، در صورتی که در حال حاضر با اعمال افزایش قیمت مصوب کمیته قیمت‌گذاری، قیمت این خودرو، ۴۷میلیون و ۲۰۰هزار تومان خواهد بود که دومیلیون و ۲۰۰هزار تومان بیشتر از قیمت قبلی آن است، اما هنوز هم ارزان‌تر از قیمت تمام‌شده به فروش می‌رسد.» در همین راستا ایران‌خودرو اعلام کرده است که در دو یا سه ماه آینده تصمیم‌های بعدی در مورد تغییر قیمت خودروها اعلام خواهد شد. البته به نظر می‌رسد خودروسازان برای افزایش قیمت محصولات خود چندان نیازی به تشکیل کمیته قیمت‌گذاری هم نداشته باشند. در هفته‌های قبل از تصویب رسمی، افزایش قیمت برخی خودروها در کمیته قیمت‌گذاری هم، افزایش قیمت در برخی از نمایندگی‌های فروش مشهود بود. دبیر انجمن خودروسازان در این مورد می‌گوید: «طبق بخشنامه کمیته قیمت‌گذاری، مدیران خودروساز می‌توانند با توجه به تقاضای بازار و برای جلوگیری از ایجاد رانت، در صورت نیاز، قیمت فروش نقدی برخی خودروهای تولیدی را افزایش داده و پس از آن روال کسب مجوز از کمیته قیمت‌گذاری را به‌ویژه در زمینه فروش مدت‌دار خودروها طی کنند.» حال با توجه به اینکه بعد از جلسه کمیته قیمت‌گذاری وزارت صنایع و معادن، یکی از حاضران در جلسه به ایسنا گفت که خواسته خودروسازان محقق نشده است و خودروسازان به دنبال افزایش قیمتی بیشتر از هشت‌درصد بوده‌اند، این احتمال وجود دارد که قیمت برخی از خودروها در ماه‌های آینده افزایش یابد.

یادداشت

ضرورت راست‌آزمایی آمارهای اشتغالزایی دولت

محمدرضا باهنر*

■ در ابتدا باید گفت مجلس از دولت تشکر می‌کند که همه همت خود را برای اشتغالزایی و رفع مشکل بیکاری به کار گرفته است. با این حال مسوولانی که گزارش می‌دهند، می‌گویند اگر دولت یک هدف بزرگ را تعریف کند، چه اشکالی دارد. به نظر می‌رسد در اینجا چند مشکل به وجود می‌آید، چون مثل این است که یک فرد سالی صدتومان درآمد داشته باشد و بعد بگوید چه اشکالی هست که این رقم ۵۰۰تومان شود.

عموما در نرخ بیکاری، خالص اشتغال جدید است که جواب می‌دهد؛ چون براساس برنامه توسعه پنجم، متوسط یک‌میلیون نفر متقاضی شغل جدید وارد بازار کار می‌شوند، یک عده هم شغل خود را از دست می‌دهند، اشتغالزایی برای کاهش نرخ بیکاری نیازمند آن است که ابتدا شغل‌های از دست‌رفته را نیز جبران کند. نمایندگان مجلس معتقدند اشتغال، ابزار و امکانات می‌خواهد که اگر تامین شود، آثار آن در قالب رشد اقتصادی بروز و ظهور می‌یابد. با تفاصیل یادشده اگر هیچ‌یک از بسترها فراهم نشود، نمی‌توان باور داشت که این شغل‌ها در کشور ایجاد شده است، بنابراین باید مقداری استدلال‌ها قوی‌تر باشد. بنابراین باید آمار تفکیکی استانی برای موضوع اشتغال را در اختیار نمایندگان بگذارند تا آنها بتوانند یک راستی‌آزمایی از برخی آمارها در حوزه‌های انتخابیه خود انجام دهند. همچنین نرخ ایجاد اشتغال باید اثر خود را در رشد اقتصادی نشان دهد. دولت دهم در سال دوم عمر خود قرار دارد و اینکه می‌گوید سال ۸۹ اتفاق مهمی در حوزه اشتغالزایی رخ داد، باید معلوم شود علل و عوامل این اتفاق چه بود. همچنین دولت و مجلس باید به دنبال اشتغال‌های پایدار باشند؛ چون بعضی اشتغال‌ها مثل مسکن‌سازی فصلی و مقطعی هستند و به این مساله باید توجه داشت. برخی از آمارهای ارایه‌شده از سوی دولت نیز با هم همپوشانی دارند؛ مثلا شغل‌هایی وجود داشتند، اما بعد در قالب یک تعاونی یا بنگاه جدید ساماندهی شدند که این موارد شغل جدید محسوب نمی‌شود.

***نایب‌رییس مجلس شورای اسلامی**

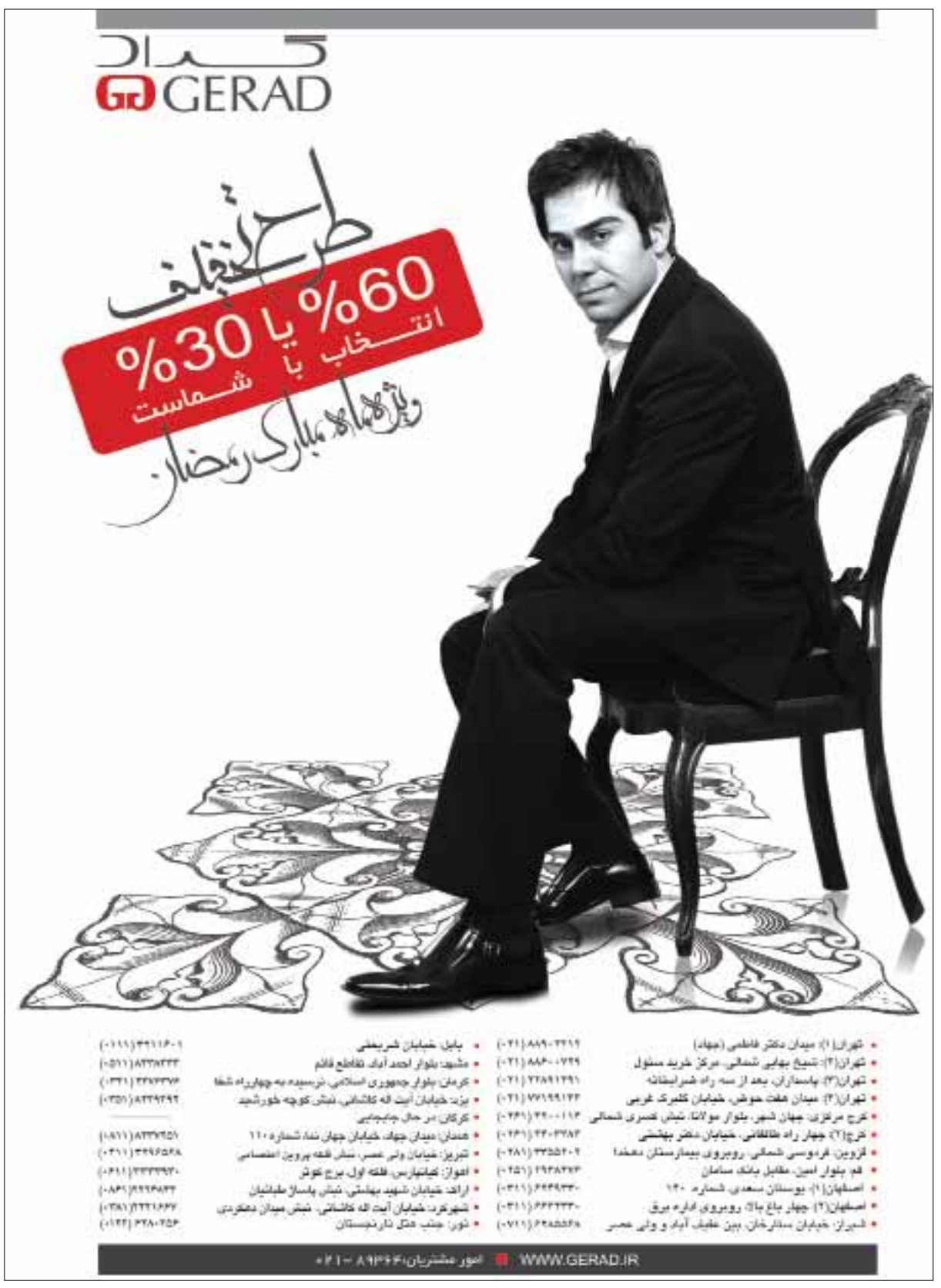

آنچه را که باید بدانیم
کتاب فلزیاب
۰۹۱۲۶۸۳۱۰۰۴
جهت دریافت کتاب و کاتالوگ به‌صورت رایگان آدرس و شماره تلفن و کدپستی خود را ایامک نموده و یا به شماره پیامکیر و یا ایمیل اعلام فرمائید.
مراجعه حضوری: تهرانپارس - پالری - ۲۱۶ غربی به سمت اردیبهشت پ ۳۴
پیامگیر: ۰۲۱-۷۷۰۷۲۱۳۹ پیامک: ۰۹۱۹۵۳۲۳۵۰۵ info@TJA777.COM

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
تلفنی آگهی می‌پذیرد.
۸۸۶۵۸۵۷۵
۸۸۵۲۴۹۷۴
۸۸۵۲۴۹۷۳